

مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر

Comparison of relationship between emotional expression styles and self-concept in male and female students

Y. Rezapour Mirsaleh: PhD student in Counselling

E-mail: yrezapoor@yahoo.com

Sh. Reihani Kivi: MA in Family Counselling

M. Khabaz: PhD student in Educational Psychology

P. Aboutorabi Kasani: MA in Child Exceptional Psychology

یاسر رضاپور میرصالح: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه

طباطبایی

شهناز ریحانی کیوی: کارشناس ارشد مشاوره خانواده

محمود خباز: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه

طباطبایی

پریسا ابوترابی کاشانی: کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان

استثنایی

Abstract

Aim: The purpose of the present study was to determine and compare the relationship between self-concept and emotional expression styles in male and female students. **Method:** Method is correlation and 214 participants (107 male students and 107 female students) were selected via clustering sampling method. Data was collected using the Emotional Expression Questionnaire (EEQ) (1990) and Beck's Self Concept Test (BST) (1990). Data was analyzed using correlation, independent t-test, regression analysis and Fisher's Z conversion. **Results:** Results showed that there was a positive correlation between intimacy expression and self-concept in male and female students. Male students with more positive emotional expression had more positive self-concept and female students with more negative emotional expression had more negative self-concept. Although, a positive correlation was observed between the total emotional expression score and self-concept in male students, no such correlation was found in female students. Further, only the correlation between negative emotional expression and self-concept was significantly different in male and female students. **Conclusions:** According to the results, it can be concluded that emotional expression styles are good predictors for students' self-concept. Helping students identify their emotions and express them in a genuine manner may have an important effect in increasing self-awareness and forming self-concept.

Key words: emotional expression, self-concept, students

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور تعیین و مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر انجام شد. **روش:** روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. نمونه پژوهش شامل ۲۱۴ نفر (۱۰۷ دانشجوی پسر و ۱۰۷ دانشجوی دختر) بود که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها به کمک پرسشنامه‌های ابرازگری هیجانی (۱۹۹۰) و پرسشنامه خودپنداره بک (۱۹۹۰) گردآوری و با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی، آزمون t، تحلیل رگرسیون و تبدیل Z فیشر تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین ابراز صمیمیت و خودپنداره در دانشجویان پسر و دختر رابطه مثبت وجود دارد. دانشجویان پسر که ابرازگری هیجانی مثبت بیشتری داشتند از خودپنداره مثبت، و دانشجویان دختری که ابرازگری هیجانی منفی بیشتری داشتند از خودپنداره منفی برخوردار بودند. بین نمره کلی ابرازگری هیجان و خودپنداره در دانشجویان پسر رابطه مثبت وجود داشت؛ اما در دانشجویان دختر بین این دو مؤلفه رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین، فقط همبستگی بین ابرازگری هیجانی منفی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر با هم تفاوت معناداری داشت. **نتیجه‌گیری:** مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای خودپنداره دانشجویان هستند و کمک به دانشجویان برای شناسایی هیجان‌ها و ابراز صحیح آن‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش شناخت خود و شکل‌گیری خودپنداره در آن‌ها باشد.

کلیدواژه‌ها: ابرازگری هیجانی، خودپنداره، دانشجویان

مقدمه

اهمیت موفقیت تحصیلی دانشجویان به مطالعات زیادی درباره پیش‌بینی‌کننده‌های^۱ تسهیل‌گر برای دستیابی به این مهم انجامیده است. یکی از این پیش‌بینی‌کننده‌ها خودپنداره^۲ فرد است (تاوانی و لوش^۳، ۲۰۰۳). خودپنداره را می‌توان درک فرد از خودش دانست که در نتیجه تجربیات فرد با محیط و رابطه او با دیگران شکل می‌گیرد (رین و کانینگام^۴، ۲۰۰۸). خودپنداره نظام پویایی است که با اعتقادات، ارزش‌ها، رغبت‌ها، استعدادها و توانایی‌های فرد ارتباط دارد. این عوامل به نوبه خود تعیین‌کننده مسیر زندگی فرد است (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۸). خودپنداره ارزیابی کلی فرد از شخصیت خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی‌های ذهنی فرد از ویژگی‌های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت نشان‌دهنده این است که فرد خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. خودپنداره منفی منعکس‌کننده احساس بی-ارزشی و بی‌لیاقتی و نیز ناتوانی خود است (بونگ و اسکالویک^۵، ۲۰۰۳).

ساختار خودپنداره همان‌گونه که بسیاری از پژوهشگران اظهار داشته‌اند، شامل «خود واقعی»^۶ (دیدگاه فرد از آنچه واقعاً هست) و «خود ایده‌آل»^۷ (تصور فرد از آنچه دوست دارد در آینده بشود) است. هر چه اختلاف بین این دو کمتر باشد فرد از لحاظ روانی در وضع مطلوب‌تری به سر می‌برد (آلفلد-لیرو و سیگلمن^۸، ۱۹۹۷). بدون شک اساسی‌ترین کلید شخصیت و رفتار انسان تصویری است که فرد در ذهن خود از خویشتن دارد. حتی کارهای بزرگی که انجام می‌دهیم بستگی به تصویری دارد که از خود ساخته‌ایم. اگر تصویری که از خود داریم اصلاح‌پذیر باشد مسلماً بر شخصیت و رفتارمان اثر خواهد گذاشت. تصویری که انسان از خود دارد استعدادهای او را در زمینه‌های گوناگون رقم می‌زند؛ لذا، هرچه تصویر بهتری از خود داشته باشیم مؤثرتر و خلاق‌تر خواهیم بود.

-
1. predictors
 2. self-concept
 3. Tavani & Losh
 4. Rinn & Cunningham
 5. Bong & Skaalvik
 6. real self
 7. ideal self
 8. Alfeld-Liro & Sigelman

خودانگاره ما حالات ما را کنترل می‌کند (استوک و اسپورر^۱، ۲۰۰۲). خودپنداره مثبت با سلامت روانی (مارش، پارادا و آیوت^۲، ۲۰۰۴)، بهزیستی روان‌شناختی (مک کالو، هیوینر و لئولین^۳، ۲۰۰۰؛ کیم، تیم و لی^۴، ۲۰۰۳؛ مارش، تروتین، لوتک، کولر و باومرت^۵، ۲۰۰۶؛ لاک^۶، ۲۰۰۶)، رضایت از زندگی (چنگ، سانیتا و او^۷، ۲۰۰۳)، رضایت زناشویی (شافر، ویکارما و کیت^۸، ۱۹۹۶) و خصوصاً در دانشجویان با موفقیت‌های تحصیلی فرد (ویلسون و کنستانتین^۹، ۱۹۹۶؛ بولتر^{۱۰}، ۲۰۰۲؛ تاوانی و لوش، ۲۰۰۳؛ چوی^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ رین و کانینگام، ۲۰۰۸) رابطه مثبت دارد. بنابراین، بررسی خودپنداره و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان، به علت تبعات متعددی که در زندگی شخصی و تحصیلی آن‌ها دارد، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد بر خودپنداره دانشجویان با توجه به شرایط سنی آنان تأثیر می‌گذارد ابرازگری هیجانی^{۱۲} آن‌ها است. هیجان احساسی ذهنی است که بر افکار و رفتار و جسم تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (مسکن^{۱۳}، هاگنزیکر، روتنگاتر و وارد، ۲۰۰۰). ابراز هیجان نیز تأثیر زیادی بر روابط بین‌فردی دارد (کندی-مور و واتسون^{۱۴}، ۲۰۰۱). بنابراین، با توجه به این‌که خودپنداره همان دیدگاه و افکار فرد در مورد خودش و یکی از عوامل شکل‌دهنده روابط بین‌فردی است (رین و کانینگام، ۲۰۰۸) می‌توان به این نتیجه رسید که هیجانات و ابراز آن‌ها می‌تواند تأثیر به‌سزایی در خودپنداره فرد داشته باشد. پژوهش‌های بسیاری نشان دادند که سلامت هیجانی با خودپنداره فرد رابطه دارد (مک لون و مرل^{۱۵}، ۱۹۹۸). پژوهش هارکر و کلتنر^{۱۶} (۲۰۰۱) درباره دانشجویان، نشان داد که هیجانات مثبت به رشد قابلیت‌های فردی کمک می‌کند و ابراز هیجانی مثبت با توصیفی که دانشجویان از ویژگی‌های شخصیتی خود ارائه دادند

1. Stucke & Sporer
2. Marsh, Parada & Ayotte
3. McCullough, Huebner & Laughlin
4. Kim, Tim & Lee
5. Trautwein, Ludtke, Koller & Baumert
6. Locke
7. Chang, Sunita & Au
8. Schafer, Wickrama & Keith
9. Wilson & Constantine
10. Boulter
11. Choi
12. emotional expression
13. Mesken, Hagenzieker, Rothengatter & Waard
14. Kennedy-Moore & Watson
15. McClun & Merrell
16. Harker & Keltner

مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره ...

و شایستگی^۱ آن‌ها همبستگی مثبت داشت. این نتیجه در نمونه‌های متفاوت دیگری نیز تکرار شده است (لاگائی و جوزف^۲، ۲۰۰۰؛ هولی و هیلر^۳ و هیلر، ۲۰۰۱). تفاوت جنس تأثیر معناداری بر خودپنداره افراد (آلفلد-لیرو و سیگلن، ۱۹۹۷؛ تاوانی و لوش، ۲۰۰۳؛ پارک^۴، ۲۰۰۳) و حتی ابرازگری هیجانی (سیمپسون و استروخ^۵، ۲۰۰۴) می‌گذارد. به علت ارتباط خودپنداره با عملکرد تحصیلی دانشجویان (رین و کانینگام، ۲۰۰۸) و همچنین با توجه به این که ابراز هیجان یکی از ویژگی‌های بارز دوران جوانی و سنین ورود به دانشگاه است (هارکر و کلتنر، ۲۰۰۱) بررسی نحوه ارتباط مؤلفه‌های ابراز هیجان با خودپنداره می‌تواند یافته‌های مفیدی در اختیار برنامه‌ریزان امور دانشجویی و فرهنگی برای ارتقاء عملکرد دانشجویان قرار دهد. این مسئله با توجه به این که تاکنون پژوهشی در این زمینه در ایران صورت نگرفته است اهمیت بیشتری می‌یابد. هدف پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، تعیین و مقایسه رابطه بین ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر است. فرضیات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی دانشجویان پسر با خودپنداره آن‌ها رابطه دارد، ۲. بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی دانشجویان دختر با خودپنداره آن‌ها رابطه دارد، ۳. تفاوت همبستگی بین ابرازگری هیجانی با خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر معنادار است.

روش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای پس‌رویدادی و نیز همبستگی است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ و بالغ بر ۳۰۰۰ نفر بودند. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۲۱۴ نفر (۱۰۷ پسر و ۱۰۷ دختر) بودند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که ابتدا با مراجعه به بخش آموزش دانشکده، رشته‌های کارشناسی در حال تحصیل در دانشکده مشخص شدند. با توجه به این که دوره کارشناسی چهار سال است و معمولاً افراد دوره را در ۴ سال تمام می‌کنند از ورودی‌های ۸۷-۸۴ و رشته‌های موجود در دانشکده فهرستی تهیه شد (برای مثال دانشجویان مشاوره ورودی ۸۴، دانشجویان مشاوره ورودی ۸۵، دانشجویان روان-شناسی ورودی ۸۷ و غیره). سپس از میان این فهرست، ده رشته به صورت تصادفی انتخاب و با

-
1. competence
 2. Laghai & Joseph
 3. Hooley & Hiller
 4. Park
 5. Simpson & Stroh

مراجعه به محل تشکیل کلاس‌های دانشجویان آن رشته‌ها پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت. قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها دانشجویان با اهداف پژوهش آشنا شدند و نسبت به محرمانه ماندن اطلاعات داده‌شده، به آن‌ها اطمینان داده شد. با این وجود تعدادی از دانشجویان با تکمیل پرسشنامه مخالفت کردند که محققین با توجه به همین شیوه نمونه‌گیری یک رشته دیگر را به گروه‌های انتخابی اضافه کردند و با انتخاب تصادفی افراد در این کلاس آن‌ها را جایگزین افرادی نمودند که از شرکت در پژوهش انصراف داده بودند. میانگین سنی دانشجویان انتخاب شده ۲۱/۸۶ بود و ۸۱ درصد از آن‌ها را دانشجویان شهرستانی و مابقی را دانشجویان تهرانی تشکیل می‌دادند. ۹۲ درصد از دانشجویان شهرستانی نیز ساکن خوابگاه بودند. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون، Z فیشر و آزمون t تحلیل شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه ابرازگری هیجانی^۱. این پرسشنامه را کینگ و امونز^۲ (۱۹۹۰) به منظور بررسی ابرازگری هیجانی طراحی کرده‌اند که شامل ۱۶ گویه است. پرسشنامه شامل سه زیرمقیاس ابرازگری هیجانی مثبت، ابراز صمیمیت و ابرازگری هیجانی منفی است. این پرسشنامه بر پایه مقیاس پنج‌رتبه‌ای لیکرت تنظیم شده است؛ بدین صورت که به پاسخ کاملاً موافق نمره ۵ و به پاسخ کاملاً مخالف نمره ۱ تعلق می‌گیرد. براساس این شیوه نمره‌گذاری نمره کل فرد از ۱۶ تا ۸۰ متغیر است. نمره بالاتر بیانگر ابراز هیجانی بالاتر است. به منظور بررسی روایی همگرا، بین نمرات پرسشنامه ابرازگری هیجانی و پرسشنامه چندوجهی شخصیت مینه سوتا^۳ و نمرات مقیاس عاطفه مثبت برن همبستگی مثبت به دست آمد (کینگ و امونز، ۱۹۹۰). پایایی این مقیاس به روش همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (رفیعی نیا، ۱۳۸۵) بررسی شد و مقدار آن برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۶۸ شد که در سطح $\alpha = 0/01$ معنادار بود. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ شد که در سطح $\alpha = 0/01$ معنی دار بود.

1. Emotional Expressiveness Questionnaire (EEQ)
2. King & Emmons
3. Minnesota Multiphasic Personality Inventory

مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره ...

۲) مقیاس خودپنداره بک^۱: این مقیاس را نخستین بار بک (۱۹۹۰) به منظور بررسی خودپنداره افراد مطرح کرد و مجدداً بک و استیر، اپستین و برون^۲ (۱۹۹۰) آن را ارزیابی کردند. این مقیاس شامل ۲۵ گویه و وسیله‌ای برای ارزیابی نگرش‌های منفی شخص از خودش است که در نظریه شناختی بک بخش شناخت منفی سه‌گانه (نظر منفی نسبت به خود، محیط و دنیا) را تشکیل می‌دهد. آزمودنی در موارد متعدد با توجه به استنباطی که از خود دارد، خود را با دیگران مقایسه و یکی از پنج عبارتی را انتخاب می‌کند که ویژگی او را بهتر نشان می‌دهد. آزمون به گونه‌ای طراحی شده است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده خودپنداره مثبت است. بک و همکاران (۱۹۹۰) در بررسی این مقیاس ضریب آلفای آن را ۰/۸۲ به دست آوردند که شاخص همسانی درونی رضایت‌بخشی است. ضریب پایایی مقیاس از طریق آزمایش مجدد با فاصله زمانی یک هفته ۰/۸۸ و با فاصله زمانی سه ماه ۰/۶۵ بود. این مقیاس را در ایران نبوی (۱۳۷۳)، به نقل از نامیار، (۱۳۷۵) از نظر اعتبار و روایی به سنجش گذاشت و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد. روایی سازه آن نیز با انجام آزمون بین افراد عادی و افسرده و مقایسه نمرات آن‌ها تجزیه و تحلیل شد که در هر مورد تفاوت معنی‌دار بود (نبوی، ۱۳۷۳، به نقل از نامیار، ۱۳۷۵). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌ها در متغیرهای ابرازگری هیجانی و خودپنداره به تفکیک جنس در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره به تفکیک جنس دانشجویان

سطح معناداری	مقایسه میانگین‌ها t	دانشجویان دختر		دانشجویان پسر		جنس شاخص متغیرها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
ns	-۱/۳	۳/۹۲	۲۴/۳۲	۴/۳۳	۲۳/۵۸	ابرازگری هیجانی مثبت
ns	۰/۳۷	۳/۷۱	۲۲/۰۰	۳/۶۶	۲۲/۱۸	ابراز صمیمیت
ns	-۱/۵۴	۲/۲	۹/۰۷	۲/۰۳	۸/۶۲	ابرازگری هیجانی منفی
ns	-۱/۱۱	۵/۹۷	۵۵/۴	۷/۰۸	۵۴/۴	ابرازگری هیجانی کل
ns	۰/۶۴	۸/۷۴	۸۵/۲۳	۹/۵۵	۸۶/۰۳	خودپنداره

1. Beck self-concept test
2. Steer, Epstein & Brown

نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین‌های مؤلفه‌های ابراز هیجان و خودپنداره در دانشجویان پسر و دختر معنادار نیست.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان پسر و دختر

متغیرها	ابرازگری هیجانی مثبت	ابراز صمیمیت	ابرازگری هیجانی منفی	خودپنداره
ابرازگری هیجانی مثبت	۱	۰/۴۷**	-۰/۲۵*	۰/۲*
ابراز صمیمیت	۰/۲۹**	۱	-۰/۳۱**	۰/۲۷**
ابرازگری هیجانی منفی	۰/۵۳**	-۰/۴۹**	۱	-۰/۰۰۶
خود پنداره	۰/۰۶	۰/۲۳*	-۰/۳**	۱

* قسمت بالای ماتریس مربوط به دانشجویان پسر و قسمت پایین مربوط به دانشجویان دختر است. $p < 0.05$ **

برای پاسخ به فرضیات اول و دوم پژوهش از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین ابرازگری هیجانی مثبت و خودپنداره در دانشجویان پسر رابطه معنی‌دار مثبت و بین ابرازگری هیجانی منفی و خودپنداره در دانشجویان دختر رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بین ابراز صمیمیت و خودپنداره در هر دو گروه دانشجویان پسر و دانشجویان دختر رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت. بین ابرازگری هیجانی منفی و خودپنداره در دانشجویان پسر و همچنین بین نمره‌های ابرازگری هیجانی مثبت و خودپنداره در دانشجویان دختر همبستگی معنی‌داری مشاهده نشد. برای پاسخ به فرضیه سوم و مقایسه ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر از آزمون Z فیشر استفاده شد که با تبدیل I پیرسون به Z_I به دست می‌آید (دلاور، ۱۳۸۷). نتایج نشان داد که فقط تفاوت همبستگی میان ابرازگری هیجانی منفی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر معنادار است ($Z = 2/12$, $p < 0/05$).

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های ابراز هیجانی در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان دختر و پسر

متغیرها	دانشجویان پسر			دانشجویان دختر		
	جنس شاخص	β	t	معناداری	β	t
ابرازگری هیجانی مثبت	۰/۱۳	۱/۳۴	۰/۱۸	۰/۱۱	۱/۷۰	۰/۲۴
ابراز صمیمیت	۰/۲۷	۲/۷۹	۰/۰۱	۰/۲۶	۲/۷۶	۰/۰۱
ابرازگری هیجانی منفی	۰/۰۶	-۰/۶۶	۰/۵۱	-۰/۱۲	-۱/۳۱	۰/۱۹

مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره ...

برای به دست آوردن ضرایب تأثیر مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان و همچنین سهم کلی این مؤلفه‌ها در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان از تحلیل رگرسیون استفاده شد. همان‌گونه که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، در هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر، از میان سه مؤلفه ابرازگری هیجانی، ابراز صمیمیت بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان دارد. ضریب همبستگی (چندمتغیره) مجموع سه مؤلفه ابرازگری هیجانی در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان پسر ($R=0/33$) و ضریب همبستگی (چندمتغیره) مجموع سه مؤلفه ابرازگری هیجانی در پیش‌بینی خودپنداره دانشجویان دختر ($R=0/29$) بود که هر دو مقدار در سطح $p>0.01$ معنی دار بود. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی قادر به پیش‌بینی $10/8$ درصد واریانس خودپنداره دانشجویان پسر ($R^2=0/108$) و $8/5$ درصد واریانس خودپنداره دانشجویان دختر ($R^2=0/85$) بودند.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان پسری که ابراز هیجان مثبت بیشتری دارند، از خودپنداره مثبتی برخوردارند. این یافته به طور کلی با یافته‌های پژوهش سیمپسون و استروح (۲۰۰۴) همسوست. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که مردانی که ابراز هیجان مثبت بیشتری داشتند، احساس اصالت فردی^۱ بیشتری می‌کردند. نتایج مطالعه ریتی و گوستافسن^۲ (۲۰۰۶) نیز نشان داد افرادی که ابراز هیجان مثبت بیشتری داشتند، قابلیت‌های فردی بهتری را گزارش می‌کردند. کاتز و کمپبل^۳ (۱۹۹۴) نیز رابطه مثبتی را میان ابراز هیجان مثبت و احساس سلامت روان‌شناختی افراد به دست آوردند. نتایج این پژوهش‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. از سویی دیگر، نتایج پژوهش حاکی از این بود که دانشجویان دختری که ابراز هیجانی منفی‌شان بیشتر است، خودپنداره پایینی دارند. مطالعه سیمپسون و استروح (۲۰۰۴) نیز نشان داد زنانی که ابراز هیجانی منفی بیشتری داشتند، از اصالت فردی پایین‌تری برخوردار بودند. این یافته با نتایج مطالعه کینگ و امونز (۱۹۹۰)، و نیز کاتز و کمپبل (۱۹۹۴) به طور کلی همسو است. آن‌ها نشان دادند افرادی که ابراز هیجانی منفی بیشتری داشتند، وضعیت روانی و جسمانی خود را نامناسب گزارش می‌کردند. همچنین نتایج مطالعه لوت واک، رزینو و فراری^۴ (۱۹۹۸) نیز حاکی

-
1. personal authenticity
 2. Rätty & Gustafsson
 3. Katz & Campbell
 4. Lutwak, Razzino & Ferrari

از این بود افرادی که در رفتارهای خود مدام هیجان خجالت^۱ بروز می‌دادند، ارزیابی منفی از خود داشتند.

نتایج تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر حاکی از این بود که ابراز صمیمیت، هم در دانشجویان پسر و هم در دانشجویان دختر، با خودپنداره مثبت ارتباط دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که از بین سه مؤلفه ابرازگری هیجانی، ابراز صمیمیت بیشترین ضریب تأثیر را در پیش‌بینی خودپنداره هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر دارد. این یافته با نظریه اریک اریکسون^۲ (فیست و فیست، ۱۳۸۴) که در آن او به توصیف مراحل تکامل من^۳ می‌پردازد همسو است. اریکسون هشت مرحله را برای رشد خود در نظر می‌گیرد. مرحله پنجم، صمیمیت در برابر انزوا نام دارد که در حدود سنین جوانی (همان دوره سنی که شرکت‌کنندگان پژوهش در آن قرار دارند) اتفاق می‌افتد. افرادی می‌توانند از این مرحله از رشد خود عبور کنند که بتوانند با دیگران روابط صمیمانه‌ای برقرار کنند و هویت خود را بدون ترس از وارد شدن خدش‌های به آن با هویت فرد دیگری بیامیزند (فیست و فیست، ۱۳۸۴). بنابراین، می‌توان انتظار داشت افرادی که، در این دوره سنی، از احساس صمیمیت بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، نگرش و تصویر مثبتی از خود در ذهن دارند.

نتایج پژوهش حاضر، نشان داد که به طور کلی ابراز هیجان (چه مثبت و چه منفی) دانشجویان پسر با خودپنداره مثبت آن‌ها ارتباط دارد؛ ولی در دانشجویان دختر هیچ رابطه‌ای میان نمره کلی ابراز هیجان و خودپنداره مشاهده نشد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأثیرگذار در عدم همبستگی ابراز هیجان کلی دانشجویان دختر و خودپنداره آن‌ها به جنس آن‌ها مربوط باشد. معمولاً زنان در بعد عاطفی و احساسی قوی‌تر از مردان‌اند و هیجان‌ناشان را، صرف‌نظر از ماهیت آن (مثبت، منفی، شاد، غمگین و...)، به راحتی ابراز می‌دارند؛ مقتضیات فرهنگی و اجتماعی جامعه ما نیز به این مسئله دامن می‌زند. به‌طور مثال، گریه کردن برای یک زن امری عادی است و هیچ لطمه‌ای به احساس او از خود وارد نمی‌کند، در حالی که برای یک مرد چنین نیست. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که ابراز هیجان تأثیر بیشتری بر خودپنداره مردان نسبت به زنان داشته باشد.

مقایسه همبستگی مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر نشان داد که فقط همبستگی میان ابرازگری هیجانی منفی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر با هم تفاوت معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش سیمپسون و استروح (۲۰۰۴) به‌نوعی

1. shame emotions
2. Erik Erikson
3. ego

مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره ...

همسو است. در مطالعه آن‌ها، زنانی که با قوانین نمایشی زنانه، خود سازگار بودند بیشتر از مردانی که با نقش نمایشی مردانه خود سازگار بودند از بروز هیجانات منفی خود جلوگیری می‌کردند.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای خودپنداره دانشجویان است. از طرفی، با توجه به نقش خودپنداره در سلامت جسم و روان و همچنین موفقیت تحصیلی دانشجویان، لزوم برنامه‌ریزی برای شکل‌گیری خودپنداره درست و مثبت در دانشجویان، با توجه به دوره سنی آن‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان گفت یکی از بهترین شیوه‌ها برای افزایش شناخت خود و شکل‌گیری خودپنداره در دانشجویان، با توجه به دوره سنی آن‌ها، کمک به آن‌ها برای شناسایی و ابراز درست هیجان‌های خود با توجه به موقعیت مورد نظر است. این مهم می‌تواند با برنامه‌ریزی مسئولان دانشگاه‌ها برای تشکیل گروه‌ها و کارگاه‌های فوق برنامه به منظور افزایش شناخت دانشجویان از ویژگی‌های هیجانی و احساسی خود و نحوه ابراز آن‌ها تحقق یابد. توجه مشاوران مراکز مشاوره دانشگاه‌ها به نقش هیجان‌ها و ابراز آن‌ها در شکل‌گیری خودپنداره دانشجویان نیز به ارائه خدمات بهتر آن‌ها به مراجعه‌کنندگان کمک کند.

نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر فقط دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی بودند. برای تعمیم نتایج این پژوهش ضروری است پژوهش‌های مشابهی درباره دانشجویان دانشکده و دانشگاه‌های دیگر و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز صورت گیرد. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نقش فرهنگ و ویژگی‌های سنی دانشجویان در شکل‌گیری هیجان‌ها و نوع ابراز آن‌ها در نظر گرفته شود. پژوهش حاضر تنها به بررسی رابطه ابرازگری هیجانی با خودپنداره دانشجویان اختصاص داشت، برای درک بهتر عوامل مؤثر دیگر بر خودپنداره دانشجویان، لازم است پژوهش‌های دیگری در این زمینه صورت گیرد. این عوامل را می‌توان با توجه به عوامل تأثیرگذار بر خودپنداره دانشجویان و با در نظر گرفتن ویژگی‌های دوره سنی آن‌ها با توجه به نظریات گوناگون انتخاب کرد.

منابع

دلاور، علی. (۱۳۸۷). *آمار و احتمالات کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات رشد.
رفیعی نیا، پروین. (۱۳۸۵). رابطه سبک‌های ابراز هیجان با سلامت عمومی در دانشجویان. *مجله روان‌شناسی* (ویژه نامه انگیزش و هیجان). بهار، ۱۰(۱)، ۳۷-۱۰۵.
شفیع آبادی، عبدالله، و ناصری، غلامرضا. (۱۳۷۰). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*. تهران: نشر دانشگاهی.

شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). فنون و روش‌های مشاوره. تهران: انتشارات رز.
فیست، جس، و فیست، گریگوری جی. (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران:
انتشارات ارسباران.
نامیار، مسعود. (۱۳۷۵). بررسی مقدماتی عملی بودن، اعتبار، روایی و فرم آزمون خودپنداره بک برای
دانش‌آموزان دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان-
شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.

- Alfeld-Liro, C., & Sigelman, C. K. (1997). Sex differences in self-concept and symptoms of depression during the transition to college. *Journal of Youth and Adolescence*, 27(2): 219-244.
- Beck, A. T., Steer, R. A., Epstin, N., & Brown, B. (1990). Beck self-concept test. *psychological assessment*, 2(2): 191-197.
- Bong, M., & Skaalvik, E. M. (2003). Academic self-concept and self-efficacy: how different are they really? *Educational Psychology Review*, 15(1): 1-40.
- Boulter, L. T. (2002). Self-concept as predictor of College freshman academic adjustment. *College Student Journal*, 36(2): 234-246.
- Chang, L., sunita, M. S., & Au, E. (2003). Life satisfaction, self-concept and family relations in chinese adolescents and children. *International journal of behavioral development*, 27 (2): 182-189.
- Choi, N. (2005). Self-efficacy and self-concept as predictors of college students' academic performance. *Psychology in the Schools*, 42(2): 197-205.
- Harker, L. A., & Keltner, D. (2001). Expressions of positive emotions in women's college yearbook pictures and their relationship to personality and life outcomes across adulthood. *Journal of personality and social psychology*, 80 (1): 112-124.
- Hooley, J. M., & Hiller, J. B. (2000). Personality and expressed emotion. *Journal of Abnormal Psychology*, 109(1): 40-44.
- Katz, I. M., & Campbell, J. D. (1994). Ambivalence over emotional expression and well-being: Nomothetic and idiographic tests of stress-buffering hypothesis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(3): 513-524.
- Kennedy-Moore, E., & Watson, J. C. (2001). How and when dose emotional expression help? *Review of general psychology*, 5(3): 187-212.
- Kim, Y., Tim, K., & Lee, H. (2003). Self-concept, aspirations, and well-being in South Korea and the United States. *The Journal of Social Psychology*, 143(3): 277-290.
- King, L. M., & Emmons, R. A. (1990). Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(5): 864-877.
- Laghai, A., & Joseph, S. (2000). Attitudes towards emotional expression: Factor structure, convergent validity and associations with personality. *British Journal of Medical Psychology*, 73(3): 381-384.
- Locke, K. D. (2006). What predicts well-being: A consistent self-concept or a desirable self-concept? *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(2): 228-247.

- Lutwak, N., Razzino, B. E., & Ferrari, J. R. (1998). Self-perceptions and moral affect: An exploratory analysis of subcultural diversity in guilt and shame emotions. *Journal of Social Behavior and Personality*, 13(2): 333-348.
- McCullough, G., Huebner, S., & Laughlin, J. E. (2000). Life events, self-concept, and adolescents' positive subjective well-being. *Psychology in the Schools*, 37(3): 281-290.
- McClun, L. A., and Merrell, K. W. (1998). The relationship of perceived parenting styles, locus of control orientation and self-concept among junior high age students. *Psychology in the Schools*, 35(4): 381-390.
- Marsh, H. W., Trautwein, U., Ludtke, U., Koller, O., & Baumert, J. (2006). Integration of multidimensional self-concept and core personality constructs: construct validation and relations to well-being and achievement. *Journal of Personality*, 74(2): 403-456.
- Marsh, H. W., Parada, R. H., & Ayotte, V. (2004). A multidimensional perspective of relations between self-concept (self description questionnaire II) and adolescent mental health (youth self-report). *Psychological Assessment*, 16(1): 27-41.
- Mesken, J., Hagenzieker, M. P., Rothengatter, T., & Waard, D. (2007). Frequency, determinants, and consequences of different drivers' emotions: An on-the-road study using self-reports, (observed) behaviour, and physiology. *Transportation Research*, 10(6): 458-475.
- Park, J. (2003). Adolescent self-concept and health in to adulthood. *Supplement to health support*, 14(1): 41-52.
- Raty, L., & Gustafsson, B. (2006). Emotions in relation to healthcare encounters affecting self-esteem. *Journal of Neuroscience Nursing*, 38(1): 42-50.
- Rinn, A. N., & Cunningham, L. G. (2008). Using self-concept instruments with High-ability college students: reliability and validity evidence. *Gifted Child Quarterly*, 52(3): 232-242.
- Schafer, R. B., Wickrama, K. A. S., & Keith, P. M. (1996). Self-concept disconfirmation, psychological distress, and marital happiness. *Journal of Marriage and Family*, 58(1): 167-177.
- Simpson, P. A., & Stroh, L. K. (2004). Gender Differences: Emotional Expression and Feelings of Personal Inauthenticity. *Journal of Applied psychology*, 89(4): 715-721.
- Stucke, T. S., & Sporer, S. L. (2002). When a grandiose self-image is threatened: narcissism and self-concept clarity as predictors of negative emotions and aggression following ego-threat. *Journal of Personality*, 70(4): 509-532.
- Tavani, C. M., & Losh, S. C. (2003). Motivation, self-confidence and expectations as predictors of the academic performances among our high school students. *Child study journal*, 33(3): 141-151.
- Wilson, W., & Constantine, M. G. (1999). Racial identity attitudes, self-concept, and perceived family cohesion in Black College. *Journal of Black Studies*, 29(3): 354-366.